

غزل شماره ۳۵۶

گرم از دست بر خیزد که باد دار بشینم
ز جام وصل می نوشم، ز باغ عیش گل چینم

شراب تلخ صوفی سوز، بنیادم بخواهد برد
لبم بر لب نه ای ساقی و بستان جان شیرینم

مگر دیوانه خواهم شد در این سودا که شب تاروز
سخن با ماه می گویم، پری در خواب می بینم

بست سگر به مسان داد و چشمت می به میخواران
ممنم کز غایت حرمان نه با آنم نه با اینم

چو هر خاکی که باد آورد، فیضی برد از انعامت
ز حال بنده یاد آور که خدمتگار دیرینم

نه هر کو نقشِ تظمی زد کلامش دلپذیر افتد
تدر و طرفه من گیرم که چالاک است شایینم

اگر باور نمی داری، روز صورتگر چین پرس
که مانی نسخه می خواهد ز نوکِ کلکِ مشکینم

وفاداری و حق‌گویی نه کارِ هر کسی باشد
غلامِ آصفِ ثانی جلالِ الحقِّ و الدیئم

رموزِ مستی و رندی ز من بشو نه از واعظ
که با جام و قدحِ هر دم ندیم ماه و پرویئم

تفسیر فال

رشته‌ی کار از دستتان خارج شده است. در این روزهای پرچالش، به جای آنکه کار امروزتان را به فردا موکول کنید، به خودتان یادآوری کنید که هر چند می‌دانید راهی که انتخاب کرده‌اید بسیار سخت و پر فراز و نشیب است، اما به خاطر نتیجه‌ی شیرین و دلپذیر آن، تحمل این سختی‌ها ارزنده خواهد بود. صبر و استقامت شما در این مسیر نه تنها نشانه‌ای از عزم راسخ شماست، بلکه نوری از رحمت خداوند بر زندگی‌تان خواهد تابید. به زودی خواهید دید

که با تلاش مستمر و ایمان راسخ خود، به مراد دلتان دست خواهید یافت.
همچنین، این موفقیت‌ها قطعاً نتیجه‌ی وفا و صداقت شما در ایمان و
حق‌گویی خواهد بود که همواره باید در زندگی خود مد نظر داشته باشید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)